

وخت پناه هدا

غیر از شفق چراغ ثنویان طلبید و چشم روشن سلطنت اندکرو
 درین ایام از دیدار ایشانست و دست زور حاکم خلافت اند
 گوشت اسلام از زور بازوی اقتدار ایشانست هر که سر از طبق
 عبودیت این دو خلیفه خدای بیرون برده المیسر و اطلوق لعنت
 در کردن خود دید آنکه باز جاده اطاعت ایشان بیرون نهاد پانی
 شقاوت ابدی گردید که با چون کاهی بنصب تعرض برک کاهی میکند
 از پیم سیاست ایشان چهره کاهی کرده و مقناطیس را زانکه
 بواسطه جذب سوزن به تیغ کشیدن سهم شهن از منیب سلطنت
 ایشان خون در بدن سوخته و سیاه بر آه معمار عدالت ایشان
 بنیاد پدید بر انداخته و بنای زنا همیت و استقامت را اساس
 از نو ساخته لاجرم مدی اللیام و اللیالی امداد فتح متوالی است و از نظر
 عالم و کثافت بر تویم اقبال و اراده ی براستان نهیگی و انقیاد می
 انده تعالی تا سالکان مسالک بره بجز همانرا بانوار سعادت این
 جمشید خورشید انبیا و این دو خورشید عالم پناه کی کی نند
 و ابرو خاوت و یکی با سرفا و سلطنت و رافت است

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 جمهوری اسلامی ایران